گزارش خبری

ردپای یوز در منطقه‌ای متروکه بعد از ۴۰ سال

ایرنا: چشمه کرباسی، منطقه‌ای در پناهگاه حیات‌وحش توران است که در مدت چهار دهه به یک متروکه تبدیل شد و دیگر جای مناسبی برای زندگی حیات‌وحش نبود، اما با اجرای طرح حفاظت مشارکتی سازمان محیط زیست و با همکاری بخش خصوصی، بعد از ۴۰ سال دوباره ردپای یوزپلنگ در آن منطقه مشاهده شده است.

با وجود این، ردپای هر گونه‌ای در شناختن آن از اهمیت زیادی برخوردار است؛ همان‌طور که همین ردپا در اوایل شهریورماه در منطقه‌ای به نام چشمه کرباسی در منطقه توران، امید را به دل‌ها برگرداند و نشان داد که اگر محیط امن و طعمه فراهم باشد، طبیعت ایران همچنان ظرفیت پذیرش گونه‌های ارزشمندی مانند یوزپلنگ را دارد. داستان ردپای چشمه کرباسی از این قرار است که بعد از اجرای طرح حفاظت مشارکتی در منطقه‌ای از توران در محدوده چشمه کرباسی که در جنوب شرق پارک ملی توران واقع شده، ردپای یوز بعد از گذشت چهار دهه مشاهده شد.

معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست گفته بود سال‌ها در این محدوده حضور هیچ یوزپلنگی ثبت نشده بود، اما وقتی قوچ و میش در این منطقه رها شد، از ردپای یوز و لاشه میشی که یوز آن را شکار کرده بود، حضور این گربه‌سان در این محدوده مسجل شد.

حسن اکبری با اشاره به اجرای طرح حفاظت مشارکتی افزود: هرچقدر زیستگاه‌های اطراف توران برای زندگی یوز امن‌تر شود، بقای این گونه افزایش خواهد یافت و نسبت به آینده این گونه جانوری امیدوارتر خواهیم بود.

او تأکید کرد: امروز در تمام دنیا، حفاظت مشارکتی با جدیت اجرا می‌شود و نتایج خوبی هم به همراه دارد. برای نمونه، بر اساس آخرین فهرستی که IUCN چندی پیش به‌روز کرد، گربه سیاه‌گوش، با همکاری مشارکتی مردم و مسئولان از شرایط خطرناک خارج شد و به وضع مطلوب رسید و جمعیتش هم احیا شد و این را به عنوان یک الگوی حفاظتی و احیایی در تمام دنیا معرفی کردند؛ ترکیبی از مشارکت مردم، مسئولان، سازمان‌ها و نهادهای مختلفی که توانستند به احیای جمعیت این گونه کمک کنند. ما هم باید به این سمت حرکت کنیم.

بر این اساس سازمان حفاظت محیط زیست حفاظت مشارکتی را با محوریت یوزپلنگ در منطقه توران آغاز کرد که بعد از گذشت حدود شش ماه به نتیجه رسید و دو قلاده یوز بعد از گذشت سال‌ها وارد منطقه چشمه کرباسی شدند؛ منطقه‌ای که سال‌ها بود یوزی وارد آن نشده بود.

بهمن نجفی، محیط‌بانی که در این منطقه فعالیت می‌کند، دراین‌باره به خبرنگار محیط زیست ایرنا گفت: سال گذشته از طرف معاونت محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست پیشنهادی در زمینه حفاظت مشارکتی مطرح شد و بر این اساس فردی که از گذشته در منطقه مستحدثاتی داشت، برای همکاری اعلام آمادگی کرد و به این ترتیب تفاهم‌نامه‌ای میان سازمان حفاظت محیط زیست و بخش خصوصی به امضا رسید و اقدامات خوبی در مناطقی از توران آغاز شد که نتایج خوبی هم به همراه داشت.

او با اشاره به مشاهده ردپای یوزپلنگ در منطقه چشمه کرباسی در بخشی از توران افزود: ۴۵ سال قبل در زیستگاه جنوب شرق توران در بخش درونه فعالیت می‌کردم. تا سال ۱۳۶۳ در محدوده کرباسی محیط‌بان بودم. آن زمان ۳۰۰ تا ۴۰۰ رأس قوچ و میش و تعداد کمتری کل و بز، جبیر و آهو در منطقه وجود داشت که با وجود این تعداد طعمه، یوزپلنگ هم در منطقه زیست می‌کرد.

نجفی ادامه داد: می‌خواهم بگویم آن زمان زیستگاه کرباسی به علت بکربودنش محل زیست یوزها بود. زیستگاه کرباسی از یک طرف به طبس، منطقه خراسان بزرگ که الان جزء خراسان رضوی است، منتهی می‌شود و چون محدوده بکری بود، حیات‌وحش در آن زادآوری می‌کردند و رفت‌وآمد داشتند. آن زمان جاده‌ای در آن منطقه نبود، بنابراین تردد خودروها هم وجود نداشت. گله‌های دام موقتی بودند که در سال دو تا سه ماه در آنجا اقامت می‌کردند و بعد از منطقه خارج می‌شدند. در واقع شرایط برای حضور یوزها فراهم بود. اما بعد از گذشت چند سال چشمه‌ها خشک، مراتع بدون آب و علف و منطقه بدون طعمه شد، از این‌رو دیگر یوزی هم در آنجا زیست نمی‌کرد.

او افزود: تا اینکه سال گذشته سازمان حفاظت محیط زیست از ما خواست منطقه را به لحاظ وجود حیات‌وحش و در مجموع شرایط زیستی بررسی کنیم. بعد از دو هفته گشت در منطقه فقط چهار رأس میش و یک رأس قوچ را مشاهده کردیم و هیچ خبری از گونه‌های دیگر نبود. چشمه‌های منطقه، ازجمله چشمه کرباسی خراب شده بود. شترها آن را تخریب کرده بودند؛ البته الان دیگر پروانه چرای شتر در آن منطقه داده نمی‌شود. بعد از آن چشمه‌ها را با همکاری بخش خصوصی و شرکت آهوان طلایی دشت سنگسر مرمت کردیم. البته پیشنهاد دادیم از کسانی که در منطقه و کنار این بوته‌ها بزرگ شدند یا شکارچیانی که قبلا مهاجم بودند برای حفاظت از منطقه استفاده شود.

[illegible]

در نشست آینده‌پژوهی مؤسسه رحمان برگزار شد

سرنوشت ۳۰ درصدی مردم زیر خط فقر چه می‌شود؟

پرستو صاحبی/ زهرا اصغری

طبق آمارهای رسمی، از سال ۹۶ تا به حال ۳۰ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر به سر می‌برند. تداوم روند فقر درآمدی نه‌تنها به خودی خود آسیب‌زاست و پیامدهای اجتماعی دارد، بلکه در جنبه فقر چندبعدی سرریز می‌کند و کودک بازمانده از تحصیل را فقیر آینده خواهد کرد، چرخه فقر را تعمیق می‌کند و فقر بین‌نسلی به وجود می‌آورد؛ بنابراین پیش‌بینی می‌شود با تداوم وضعیت در آینده شاهد آمار بیشتری از فقرا و علاوه بر آن، وخامت وضعیت رفاهی آنان خواهیم بود. اما با توجه به روی کار آمدن دولت چهاردهم و یک تیم اقتصادی جدید، چه سناریوهایی پیش‌روی جمعیت فقیر و سیاست‌گذاری فقر و نابرابری قرار دارد؟ جلسه دوم پنل «آینده‌پژوه فقر و نابرابری» از مجموعه پنل‌های آینده‌پژوه اجتماعی، با حضور مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس، آرمان ذاکری، جامعه‌شناس، زهرا کاویانی، اقتصاددان و فرشاد اسماعیلی، حقوق‌دان و با کارشناسی زهرا اصغری ۱۱ شهریور ۱۴۰۳ برگزار شد.

عکس: عبدالله حیدری/ایرنا

فقر ۳۰ درصدی عدد خطرناکی است، اما خطرناک‌تر از آن روندهایی است که ما برای آن جمعیت ۳۰ درصد ثابت زیر خط فقر مشاهده می‌کنیم. ما می‌گوییم چون چهار سال است که نرخ فقر ۳۰ درصد است، پس چهار سال است که وضعیت رفاهی ثابت است، اما نمی‌گوییم برای آن ۳۰ درصد چه اتفاقی می‌افتد؟ روندی که اتفاق می‌افتد، این است که شاخص‌های رفاهی آن ۳۰ درصد هم در حال کاهش است.

شش کلان‌روند و چهار عدم قطعیت در آینده‌پژوهی فقر و نابرابری

دکتر مقصود فراستخواه با استفاده از گفت‌وگوهای جلسه پیشین این پنل، شش کلان‌روند و چهار عدم قطعیت مهم در مسئله فقر و نابرابری استخراج کرده و در ابتدای جلسه به ارائه این پارامترها پرداخت. به گفته او شش کلان‌روند اصلی عبارت‌اند از: حدود یک‌چهارم جمعیت ایران در کل و نصف جمعیت در سیستان‌وبلوچستان زیر خط فقر هستند. سیستان‌وبلوچستان، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان شمالی، آذربایجان غربی و هرمزگان استان‌هایی‌اند که شدیدا با فقر درگیر هستند. کلان‌روند دوم، روند افزایشی فقر است. فقر پدیده تصادفی نیست که مثلا ما چند سال بتوانیم آن را مهار کنیم؛ از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳، ۱۰ میلیون نفر به فقرا اضافه شده است. در واقع فقر همگانی شده است. زنانه‌شدن فقر؛ مثلا زنانی که سرپرست خانوار هستند. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌ها دهک‌های یک تا سه مطلقا دیگر نمی‌توانند مسکن تهیه کنند و از دهک‌های سه تا پنج نیز بخش قابل توجهی نمی‌توانند مسکن تهیه کنند. پنج الی شش دهک از دهک‌های ما از بازار مسکن به‌طور کامل خارج شده‌اند. اشکال مختلف نابرابری به‌جز فقر که در استان‌های مرزی بروز بیشتری دارد. فقر قابلیتی؛ یعنی علاوه بر فقر درآمدی، ما یک فقر قابلیتی داریم به معنای فقر فرهنگی، فقر اجتماعی، فقر آموزشی و... . نهادهایی که عمومی‌اند خصوصی‌سازی می‌شوند؛ مثلا تأمین کالاهای عمومی سلامت و آموزش که به عهده دولت است، بر عهده خانواده‌ها قرار می‌گیرد. عدم قطیت مهم استخراج‌شده نیز عبارت است از:

عدم قطعیت سیاسی: این گشایش‌های محدودی که گاهی در بخشی از حکمرانی صورت می‌گیرد و با آمدن پزشکیان نیز رخ داده است، آیا این گشایش‌های محدود بخشی از حکمرانی و ساختار پایدار خواهد بود یا دولت مستعجل می‌شود؟ مثلا آیا نظام بانکی که مشکل دارد و چند میلیارد دلار به آن داده می‌شود و برنمی‌گردد همچنان باقی خواهد ماند؟

عدم قطعیت اقتصادی: آیا ما گفتمان حمایت و توانمندسازی را خواهیم داشت یا گفتمان رشد را؟ یعنی آیا گفتمان آینده اقتصاد ایران فقط رشد است که مثلا بگذاریم این کیک فقط بزرگ شود و به ساختارهای تقسیم این کیک کاری نداریم؟ یعنی ما می‌خواهیم تقسیم فقر کنیم، یعنی آن چیزهایی را که نداریم بین همه تقسیم کنیم یا می‌خواهیم رشد و توسعه همراه با حمایت داشته باشیم؟

عدم قطعیت اجتماعی: آیا این جامعه این فلاکت را تاب می‌آورد؟

دست راست و دست چپ تیم اقتصادی دولت پزشکیان

آرمان ذاکری، جامعه‌شناس، گفت‌وگو را با شرح دو عدم قطعیت سیاسی و اجتماعی و توصیف وضعیت تیم اقتصادی دولت چهاردهم شروع کرد: «آنچه در همین دو سه هفته گذشته مشاهده کردیم در واقع وضعیت برنامه اقتصادی را که دولت قصد دارد پیش ببرد نشان می‌دهد. در انتخابات هم در مناظره اقتصادی آقای پزشکیان این موضوع دیده شد که دو گروه متعارض در کنار آقای پزشکیان قرار دارند و به ایشان برنامه می‌دهند و این دو گروه با هم متناقض‌اند. یک طرف آقای میدری نشسته بود و یک طرف آقای عبده‌تبریزی آنجا بودند. من از تعبیر بوردیو استفاده می‌کنم. بوردیو مفهومی دارد به‌عنوان دست چپ دولت و دست راست دولت. این به نظرم بیش از هر زمانی در دولت آقای پزشکیان برجسته است. یعنی یک دست راست دولت وجود دارد که الان در سازمان برنامه در وزارت اقتصاد حضور دارد و سابقه‌اش کاملا مشخص است و یک برنامه معین را پیش می‌برد ولو اینکه رزرویشن‌هایی روی آن برنامه بگذارد به دلیل تبعات اجتماعی که از اجرای سابق آن برنامه، جامعه گرفتار آن شده است؛ یعنی مثلا آقای همتی می‌گوید ما نباید شوک‌درمانی بکنیم، به دلیل تجربه ۹۸. یعنی گویا حتی دست راست دولت هم پذیرفته که نمی‌تواند شوک درمانی را به شیوه‌ای که قبلا پیش می‌برده است پیش ببرد اما این به این معنی نیست که از آن برنامه دست کشیده است. آنها همچنان می‌خواهند همان برنامه را پیش ببرند اما به‌گونه‌ای که اعتراضات ناشی از اجرای آن برنامه رخ ندهد، بنابراین باورش به درستی اجرای آن برنامه را از دست نداده است. اخیرا هم آقای دکتر نیلی مجموعه مقالاتی نوشته‌اند که هسته اصلی مقاله‌شان این بود که ما چگونه باید از یک اقتصاد دولتی و انحصاری به یک اقتصاد خصوصی، آزاد و رقابتی برسیم؛ بنابراین باور به آن برنامه که آن برنامه اجزایی دارد که درونش باید خصوصی‌سازی پیش برود، آزادسازی و مقررات‌زدایی بشود. کسانی که قائل به اجرای آن برنامه هستند و الان دست راست دولت آقای پزشکیان را هم تشکیل می‌دهند به این نتیجه رسیده‌اند که آن برنامه به شیوه‌هایی که گذشته اجرا شده قابل اجرا نیست بنابراین یک سری رزرویشن‌ها (reservation) برای آن برنامه گذاشته‌اند: یکی اینکه ما باید مسائل‌مان با جهان حل کنیم که آن عدم قطعیت دوم یعنی دیپلماسی است و می‌گویند ما تا زمانی که به یک ثبات با نظام جهانی نرسیده‌ایم این برنامه‌ها قابل اجرا نیست، درحالی‌که درگذشته این پیش‌شرط وجود نداشت. در گذشته وقتی که برنامه تعدیل در دولت آقای هاشمی یا در دولت آقای خاتمی با شیب کمتری اجرا می‌شد، قائل بودند به اینکه اساس اجرای این برنامه تابع هیچ شرایطی نیست و هر زمان می‌توانیم آن را اجرا کنیم و الان آن حرف را نمی‌زنند. دوم هم اینکه ما با بحران سرمایه اجتماعی در رابطه دولت و ملت روبه‌رو هستیم، باز اجرای آن سیاست‌ها فایده ندارد، چون جامعه بی‌اعتماد است؛ بنابراین ما هر گونه به قول خودشان جراحی دردناک یا اصلاحات خطرناک بخواهیم انجام دهیم، باز جامعه در مقابلش می‌ایستد. پیش‌بردن این برنامه نیازمند یک اجماع است و آنچه از دولت وفاق ملی می‌فهمند و می‌خواهند روی میز بگذارند، این است که ما از یک طرف بین بلوک مختلف الیگارشی توافق ایجاد کنیم، یعنی گروه‌های مختلفی که در ساختار قدرت حضور دارند و از یک طرف هم جامعه را متقاعد کنیم تا بتوانیم همان برنامه را با شیب کمتری پیش ببریم، ولی برنامه [illegible]

[illegible]

کار نمی‌کند بسیار بحث‌آفرین شد. اوباما در سخنرانی رسمی گفت که مارکت اکونومی کار نمی‌کند، بعد از آن هم این مباحث ادامه پیدا کرد و سال ۲۰۲۱ آقای بایدن در یک سخنرانی عمومی گفت مارکت اکونومی هرگز کار نکرد. همین حرفی که زده می‌شود که ما توسط بازار آزاد رشد اقتصادی ایجاد کنیم، دولت هم دخالت نکند کیک که بزرگ‌تر شود، خودبه‌خود این فروبارش می‌کند و باعث می‌شود طبقات پایین وضعیت‌شان بهتر شود. این نمودار اکستریم پاورتی (extreme poverty) در آمریکا از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ است با سه شاخص مختلف اکستریم پاورتی (extreme poverty) را سنجیده و نشان می‌دهد که از دهه ۸۰ سیاست‌های نئولیبرالی جایگزین سیاست‌های کینزی شده. چرا این حرف را درباره ایالات متحده آمریکا می‌زنم؟ به این دلیل که تا ما می‌آییم راجع به ایران حرف می‌زنیم به ما می‌گویند در ایران بد اجرا شده و گویا اگر شکل درستش را اجرا کنیم آن عوارضی که اجرای شکل بدش داشته، نخواهد داشت. من اصلا می‌گویم ما درباره آمریکا حرف بزنیم. چرا امروز در سال ۲۰۲۱ آقای بایدن سخنرانی می‌کند و می‌گوید trickle down economics never has worked هیچ‌وقت بزرگ‌شدن کیک به پایین‌دستی‌ها نرسید؟ حالا چرا اصلا بایدن شده باید نیز؟ اصلا به خاطر این شده باید نیز که در دوره بایدن مجموعه‌ای از تجدیدنظرها در سیاست‌گذاری اقتصادی آمریکا انجام می‌شود که از پایان یک دوره و آغاز یک دوره دیگر حرف می‌زند یعنی می‌گوید دوره نئولیبرالی تمام شد. امروز آقای جیک سالیوان چهار آسیب‌شناسی از وضعیت اقتصادی آمریکا می‌کند: یکی صنعتی‌زدایی از جامعه آمریکاست، یکی بحران محیط زیست است، یکی قدرت‌گرفتن چین است و یکی هم بحث بحران نابرابری و ضربه‌ای است که به دموکراسی می‌زند».

یک الیگارشی قدرتمند مانع اجرای سیاست‌های بازتوزیعی شده است

به گفته آرمان ذاکری، به دلیل سیاست‌های نئولیبرال در آمریکا یک الیگارشی قدرتمند بزرگ شکل گرفته است که به نابرابری‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی در جامعه آمریکا دامن می‌زند: «در آمریکا فرض غالب آن بود که ما در دوره بعد از جنگ با دولت‌های رفاه توانستیم بر بحران بعد از جنگ غلبه کنیم و یک طبقه متوسط شکوفا بسازیم. بعد از آن در دهه ۷۰ به بعد چه اتفاقی افتاد؟ می‌گوید فرض غالب آن بود که رشد مبتنی بر تجارت رشدی خواهد بود که شامل همه خواهد شد و ثمرات تجارت به‌طور گسترده میان ملت‌ها تقسیم می‌شود، اما واقعیت آن است که آن دستاوردها به بسیاری از کارگران نرسید. طبقه متوسط آمریکا جایگاه خود را از دست داد در حالی که ثروتمندان از همیشه ثروتمندتر شدند، اجتماعات تولیدی آمریکا خالی از سکنه شدند، [illegible]

[illegible]

برگردیم تاریخ خودمان را بخوانیم و ببینیم چرا از سال ۴۳ تا امروز هر وقت این برنامه‌ها را اجرا کردیم با همین تبعات روبه‌رو شدیم و در نهایت اینکه این برنامه‌ها کل نظم اجتماعی را از بین می‌برد و عایدی هم برای طبقات فقیر نخواهد داشت».

چرا برابری جنسیتی در قوانین در سیاست‌گذاری فقر مهم است؟

[illegible]

(و نه تبعی) هستند. این در کنار آمار بیمه‌شدگان حرف و مشاغل آزاد به تفکیک جنسیت قرار می‌گیرد که دسته‌ای از این بیمه‌شدگان زنان سرپرست خانوار هستند. کسانی که تحت این بیمه هستند، کارفرما، نظام حمایتی و... ندارند و به این دلیل به سراغ این بیمه رفته‌اند که حتی بیمه درمانی هم ندارد. آمار مردان تحت این بیمه در سال ۱۴۰۰، حدود ۸۸۰ هزار نفر و بیمه‌شدگان زن حدود ۶۷۰ هزار نفر هستند. یعنی در تمام بیمه‌ها [illegible]

[illegible]

ممکن است تصمیم بگیرد فرزندش ترک تحصیل کند یا کودک کار شود. [illegible]

[illegible]

بیشترین اختلاف را پیدا کرده است؛ یعنی فرزندآوری در این سال‌ها عامل زیر خط فقر رفتن خانوارها شده است. این یک راهکار می‌دهد که سیاست‌های حمایتی را به سمت سیاست‌های حمایت از کودک جهت‌دهی کن. ما چه می‌کنیم؟ قانون جوانی جمعیت می‌گذاریم که مثلا ماشین بین مادران توزیع می‌شود، قرعه‌کشی برای مادرانی می‌گذاری که در حساب‌شان ۳۰۰ میلیون پول دارند، فقرا که نمی‌توانند از این طرح بهره‌مند شوند، نهایتا امتیازش را ۱۰ میلیون می‌فروشد. این را بین مادران دهک‌های بالا توزیع می‌کنی، همان منابع را صرف سیاست هدفمند حمایت از کودک کن، یعنی مثلا بگو من از شاغلی که فرزنددار می‌شود، حمایت معافیت مالیاتی می‌کنم. یک اتفاق خیلی بد که در سال‌های اخیر به عنوان قانون جوانی جمعیت می‌افتد، این است که در فیش حقوقی طی پنج سال حق عائله‌مندی و حق فرزند ۵۰ درصد و صد درصد سالانه افزایش داشته باشد. اینجا به یک نابرابری بزرگی دامن می‌زنیم. چرا؟ دولت این را تصویب می‌کند و بار بودجه‌ای برایش در نظر می‌گیرد و فقط از فرزند کارمند دولت حمایت می‌کند. اتفاق دیگر این است که نابرابری بزرگی میان دستمزد زنان و مردان در بخش دولتی رخ می‌دهد؛ چراکه ما در نظام حقوقی زنان حق عائله‌مندی و فرزند نداریم. در انتهای این قانون شکاف دستمزدی بین زن و مرد بیشتر و بیشتر می‌شود. دولت که چنین منابعی می‌گذاری که چنین نتایجی دارد، به جای این پول را هدفمند حمایت کن که به جای حق فرزند، معافیت مالیاتی بدهی».

اقتصاد بازار به معنای رهاکردن فقرا نیست

کاویانی در ادامه بحثی که در جلسه اول آینده‌پژوهی مطرح شد و در پاسخ به اظهارات آرمان ذاکری ادامه داد: «در پاسخ به بحث‌هایی که جلسه پیش مطرح شد، دیدگاهی وجود دارد که وقتی ما از اقتصاد بازار و رقابتی صحبت می‌کنیم، منظورمان این است که همه چیز را رها کن و به اقتصاد بسپار، اما اصلا چنین چیزی نیست، در عین حال که مالکیت خصوصی و رقابت بازار را به رسمیت می‌شناسیم اما بر وظایف دولت که ارائه خدمات عمومی آموزش و بهداشت است هم تأکید می‌شود. چون دولت در کشور ما در طول سال‌ها ناکارآمدتر شده است، می‌خواهد ناکارآمدی‌اش را از طریق قیمت‌گذاری سیب‌زمینی و گوشت و مرغ توجیه کند و در بخشی که واقعا باید حضور داشته باشد یعنی آموزش و بهداشت، مدام سهم کمتری بر عهده می‌گیرد. تمام جلسات دولتی صمت و... به این می‌گذرد که امروز صادرات سیب‌زمینی ممنوع شود یا قیمت گوشت و مرغ چقدر باشد. دولت نباید در این موضوعات ورود کند، دولت باید در این ورود کند که ثبات اقتصادی بدون تورم شکل بگیرد.

برای مثال ثمره تغییر رویکرد چین به اقتصاد، وقتی تصمیم می‌گیرد اقتصادش را به سمت اقتصاد بازار آزاد ببرد، وقتی تصمیم می‌گیرد با دنیا تعامل کند و قیمت‌ها و انگیزه قیمت‌ها را به رسمیت بشناسد، این می‌شود که اقتصادش رشد می‌کند اما در اقتصاد کمونیستی سابق، فقر ۷۰ درصدی داشت». کاویانی درباره گفته‌های آرمان ذاکری درباره تیم اقتصادی دولت نیز گفت: «به نظر من این دو تیم کاملا هم‌راستا هستند و این تلقی اشتباهی است که اگر کسی درباره رفاه صحبت می‌کند مخالف بازار است. یک طیف چپ و راستی ساخته‌اند که هر کاری کنی می‌گویند شما که چپ بودی چرا راست شدی، شما که راست بودی چرا چپ شدی، اتفاقا آقای دکتر میدری و دکتر عبده‌تبریزی بهترین مشاورانی بودند که سمت آقای پزشکیان نشستند. دکتر میدری و طیفی که با ایشان کار می‌کنند کاملا به اصول علم اقتصاد پایبندند، یعنی قائل‌اند به اینکه نباید سیستم علامت‌دهی قیمت‌ها را دستکاری کرد و اقتصاد را از کار انداخت، در کنار اینکه سیاست‌های حمایتی دارد. این اصلا در تضاد با نظرات دکتر عبده‌تبریزی، همتی یا طیب‌نیا نیست. واقعیت این است که اقتصاد ایران تا سال‌های بسیار آینده هیچ رئیس‌جمهور محبوبی نخواهد داشت؛ چراکه شرایط اقتصاد طوری نیست که بتوانی با پول نقد دادن و... بهبودهای کوتاه‌مدت ایجاد کنی و یکی می‌تواند بیاید انتخاب کند که هزینه فردا نپردازد و هزینه بزرگ‌تری به چند سال آینده تحمیل کند و یکی می‌تواند بیاید که حاضر باشد هزینه نامحبوبیت بین مردم را بپذیرد اما اقتصاد را به ریل برگرداند».

سهم هزینه‌های مسکن از هزینه‌های خانوار کمرشکن است

در انتهای میز آینده‌پژوهی فقر و نابرابری یکی از مخاطبان حاضر در جلسه خطاب به کاویانی پرسشی درباره سهم هزینه‌های مسکن از هزینه‌های خانوار مطرح کرد که به در گفتن بحثی میان او و زهرا کاویانی حول این موضوع منجر شد: «شما فرمودید بیشترین سهم از هزینه‌های خانوار سهم خوراک است اما اشاره‌ای به هزینه‌های مسکن نکردید در حالی که بدترین حوزه‌ای است که ما با آن مواجهیم. در این چهار پنج سال، بسیاری از اقشار به زیر خط فقر رفته‌اند به دلیل هزینه اجاره‌بها و قیمت مسکن. چرا به جای ناترازی انرژی مالیات نمی‌بندند و اجاره‌بها را کنترل نمی‌کنند؟ اگر به این مشکل به عنوان مشکل اصلی بپردازند بسیاری از مشکلات طبقات پایین و متوسط حل خواهد شد. داستان مسکن یک داستان بسیار مهم‌تر ایجاد می‌کند در رابطه با رانت مالی. از دهه ۸۰ اتفاقی که در سراسر جهان می‌افتد، این است که پول‌های عظیمی می‌چرخد و رانت‌های عظیمی در سطح جهانی اتفاق می‌افتد. این رانت مالی هر زمان به جایی می‌رود، یک زمانی در صنعت آی‌تی، یک زمانی در مسکن و... یعنی ما یک سرمایه مالی سرگردان داریم که بسته به اینکه دولت‌ها چه می‌کنند، تفاوت ارزشی در درآمدهای افراد ایجاد می‌کند راجع به این چرا هیچ صحبتی نمی‌شود؟ رانت مالی صنعت را می‌خورد و این شرکت‌های رانت‌خوار دیگر سرمایه‌گذاری مجدد نمی‌کنند؛ چراکه بازخرید سهام می‌کنند و سود را در صنعت خود نمی‌کنند. در ایران که این سود همه در بخش مستغلات است. فقر اصلی ما از خوراک می‌آید یا از اینکه مردم چرا انرژی را کم و زیاد مصرف می‌کنند؟ مسئله مسکن و رانت نیست». کاویانی در ادامه پاسخ داد: [illegible]

[illegible]

گزارش

«دیوار» با استفاده از هوش مصنوعی، امنیت و راحتی معاملات کاربران را افزایش داده است

شنیدن اسم هوش مصنوعی خیلی‌ها را یاد فیلم‌های علمی-تخیلی یا آینده‌ای دور می‌اندازد. پیشرفت مدل‌های هوش مصنوعی اما باعث شده که استفاده از این فناوری خیلی فراگیرتر از گذشته و البته ساده‌تر شود و به صورت واقعی کارهای سخت قدیمی را آسان کند. دیوار هم با استفاده از این فناوری، تلاش کرده برای خلق تجربه بهتر برای کاربران خود راحتی و امنیت معاملات آنها را افزایش دهد. از شناسایی آگهی‌های کلاهبرداری گرفته تا قیمت‌گذاری هوشمند املاک و حتی ویرایش خودکار تصاویر، نمونه‌هایی از استفاده ساده و ملموس از هوش مصنوعی در دیوار است تا این فناوری بتواند فعالیت ۶۷ میلیون کاربر سالانه این پلتفرم را ساده‌تر از گذشته کند. هوش مصنوعی اکنون با ویژگی‌ها و بخش‌های مختلف دیوار به شکلی گره خورده که تقریبا همه کاربران دیوار به نوعی در حال استفاده از آن هستند.

افزایش امنیت و جلوگیری از کلاهبرداری: کلاهبرداری در دنیای آنلاین یک مشکل جهانی است. امنیت کاربران و معاملاتی که از طریق دیوار انجام می‌دهند، همیشه جزء اولویت‌های دیوار بوده است و در این سال‌ها تلاش‌های زیادی انجام شده تا با روش‌های مختلف فضایی امن‌تر برای کاربران فراهم شود. دیوار حالا برای حفاظت از اطلاعات کاربران و افزایش امنیت آنها سراغ هوش مصنوعی نیز رفته است. در دیوار بررسی متن، عکس و محتوای اطلاعات آگهی‌ها بر عهده هوش مصنوعی گذاشته شده تا آگهی‌های مشکوک را شناسایی و از انتشار آنها جلوگیری کند و همچنین کاربرانی را که رفتار مشکوک دارند، در دسته‌های مختلف با احتمال تخلف‌های متفاوت قرار می‌دهد. این کاربران بر اساس میزان تخلف، با محدودیت‌های متفاوتی هم روبه‌رو می‌شوند. برخی کاربران ممکن است امکان انتشار آگهی را پیدا نکنند و برخی دیگر ممکن است با محدودیت چت‌کردن یا دیدن شماره تلفن آگهی‌های دیگر مواجه شوند. کاربرانی که به علت تخلف با محدودیت مواجه شده‌اند، برای رفع محدودیت باید احراز هویت ویدیوئی شوند. در این احراز هویت نیز که توسط هوش مصنوعی انجام می‌شود، هر فرد اول باید شماره همراه، کد ملی و تاریخ تولدش را وارد کند، بعد هم با گرفتن فیلم یا عکس احراز هویت را تکمیل می‌کند و در صورتی که تأیید شود، محدودیت‌ها برداشته می‌شود.

هوش مصنوعی برای احراز هویت: یکی از پارامترهای مهم برای تشخیص متخلفان در دیوار، گزارش کاربران است. هوش مصنوعی می‌تواند گزارش‌های واقعی را از گزارش‌های جعلی تشخیص بدهد و در صورت اطمینان از تخلف، دسترسی‌های کاربر متخلف را محدود می‌کند و برای رفع محدودیت باید احراز هویت ویدیوئی شود. احراز هویت آگهی‌گذاران دیوار تلاشی برای ساختن فضایی امن برای کاربران است. دیوار بخش مهمی از امنیت فضای داخل پلتفرم خود را به هوش مصنوعی سپرده و شرکت‌ها و استارتاپ‌های زیادی کنار دیوار قرار گرفته‌اند و به کاربران خدمات می‌دهند تا مراحل احراز هویت با دقت بالا و مراحل چندگانه انجام شود.

محوکردن خودکار شماره پلاک در آگهی‌های خودرو: زمانی که کاربران قصد آگهی و فروش خودروی خود را در دیوار داشته باشند، شماره پلاک خودرو جزء اطلاعاتی است که انتشار عمومی آن باید با ملاحظاتی همراه باشد و معمولا توصیه می‌شود شماره پلاک را محو کنند. از سوی دیگر، بر اساس نظرسنجی، ۴۰ درصد کاربران دیوار با بودن شماره پلاک ماشین‌شان داخل عکس راحت نیستند و کار سختی هم برای محوکردن شماره پلاک داشتند؛ چون استفاده از نرم‌افزارهای ویرایش عکس وقت‌گیر است و ممکن است بسیاری از کاربران استفاده از برنامه‌های ویرایش تصویر را بلد نباشند. اما تیم فنی دیوار با استفاده از هوش مصنوعی این مشکل را حل کرد و پلاک خودروی کاربر داخل عکس به صورت خودکار و توسط هوش مصنوعی محو می‌شود و کاربر نیازی به ویرایش و اصلاح عکس ندارد.

بررسی تصاویر آگهی: LLM یک مدل زبانی است که قدرت تجزیه‌وتحلیل داده‌های عظیم متنی و عکس را دارد. دیوار برای بررسی عکس آگهی‌ها حالا از LLM استفاده می‌کند. جالب اینکه این کار با خطای کمی نسبت به ناظر انسانی توسط هوش مصنوعی انجام می‌شود. مدل هوش مصنوعی اما امکان آنالیز و بررسی تعداد بسیار بیشتری عکس و متن را نسبت به ناظر انسانی دارد. با این هوش مصنوعی، آگهی‌ها در مدت‌زمان خیلی کمتری بررسی می‌شوند و می‌توان قوانین حذف تصاویر نامناسب را درباره آگهی‌های مختلف اجرا کرد. این هوش مصنوعی توانایی این را دارد که عکسی را مشکوک اعلام کرده یا در صورت تشخیص نامناسب‌بودن، حذفش کند.

دیوار به ۱۵ زبان زنده: از این بعد و به کمک هوش مصنوعی، دیوار به زبان‌های عربی، انگلیسی، ترکی، روسی، اسپانیایی، فرانسوی، آلمانی، چینی، فیلیپینی، آذری، اندونزیایی، ارمنی، کردی، پشتو و اردو قابل دسترس است. البته این سرویس درحال‌حاضر فقط در نسخه وب دیوار و در بعضی شهرها قابل اجراست. دلیل دیوار برای دسترسی به آن با ۱۵ زبان مختلف این است که زبان افراد نباید مانعی برای استفاده‌نکردن آنها از دیوار باشد و این سرویس در راستای برنامه فراگیری و گوناگونی دیوار انجام شده است.

قیمت‌گذاری آنلاین ملک: برای خیلی‌ها پیش آمده که قصد خرید یا فروش یک خانه را دارند، اما نمی‌دانند قیمت واقعی ملک‌شان درحال‌حاضر چقدر است. این کاری است که «الو ملک» برای کاربران خریدار یا فروشنده خانه انجام می‌دهد. [illegible]

[illegible]